

# با سپاسگزاری از سیما عطای نشر را به لقایش ببخشید

اشاره

مقاله ریز که در پاسخ به یکی از گزارش‌های فرهنگی تلویزیون توسط ناصر مجرد ناشر کتابهای عمومی نوشته شده، قرار بود در شماره پیشین مجله گزارش چاپ شود ولی مشکلاتی بروز کرد و چاپ آن را تا این شماره به تعویق انداخت. مطالعه این نقد فرهنگی را به اهل فرهنگ و ادب توصیه و قضاوت نهایی را به خود ایشان واگذار می‌کنیم.



ناصر مجرد

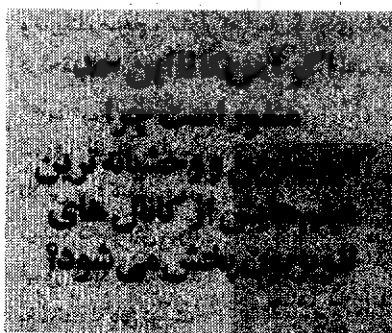
## همکاران محترم، سلام

تصور نفرمایید که بنده از روی احساس این مطلب را می‌نویسم و قصد دارم بی جهت مصدع اوقات شما عزیزان شوم چرا که می‌دانم در کارهای صحیح و منطقی، احساس جایی ندارد و بنا نیست که یک نویسنده کهنه کار مطبوعات و حیطه نشر، تفاوت کار منطقی و احساسی را نداند.

حقیقاً، با ۷۰ بهار پاییزمانندی که پشت سر گذاشته‌ام، ۳۰ سال روزنامه‌نگار حرفه‌ای و ۲۳ سال ناشر فراتر از حرفه‌ای بوده‌ام و اگر برایتان این سوال پیش آمده که 'ناشر فراتر از حرفه‌ای' یعنی چه؟ باید عرض کنم که بنده علاوه بر کار نشر و انتشار بیش از ۳۰۰ عنوان کتاب در طول ۲۵ سال اخیر، چندین کتاب هم شخصاً در زمینه‌های اجتماعی نوشته و صد‌ها کتاب سایر نویسندگان را نیز ویرایش کرده‌ام.

بنده معمولاً تلویزیون تماشا نمی‌کنم مگر این که مسابقه فوتبال مهمی در حال پخش باشد آن هم با بستن صدای گزارشگر. زیرا اغلب آنها غرق مسائل خانگی می‌شوند که گزارش تصویری را با گزارش گفتاری و شنیداری اشتباه می‌کنند و این تصور را در بیننده به وجود می‌آورند که نکند آقای گزارشگر طرفدار فرد یا باشگاه بخصوصی است و حتی در نقل و انتقال بعضی از بازیکنان هم نقش دارد؟

این آقایان باید بپذیرند که بسیاری از بینندگان، دانش بیشتری در ورزش دارند و نمی‌شود آنها را با الفاظ فریفت و مطالب غیرواقعی را به خوردشان داد. اما چندی قبل بر حسب اتفاق در جایی بودم و دیدم که تلویزیون در برنامه 'در آن سوی خیرها' علیه وزارت ارشاد شمشیر کشیده بود و هر چه می‌توانست بر فرق متولی نشر کتاب می‌کوبید! تمام افرادی که راجع به وضع کتاب در ایران مورد سوال قرار گرفته بودند، هدایت شده عقیده داشتند یا بنا بوده عقیده داشته باشند که وزارت فرهنگ و



ارشاد اسلامی نباید به کتاب‌های شعری غربی اجازه نشر بدهد و دوربین هم روی جلد این گونه کتاب‌ها پشت وپشت کتابفروشی‌ها، زوم شده بود که البته تبلیغ مفت و مجانی بسیار خوبی بود و فردای آن روز بیشتر کتاب‌ها نایاب شد تا جایی که بدبینانه

می‌شد تصور کرد که این برنامه ساخته و پرداخته خود ناشران کتاب‌هاست نه تلویزیون! اما راستی آیا آنها که نوک بیکان حمله خود را متوجه مسوولان وزارت ارشاد کرده بودند یکی از آن کتاب‌ها را ورق زده و دو سطر از اشعار یک کتاب را خوانده بودند که با آن صراحت و جسارت ایراد می‌گرفتند و می‌گفتند چاپ این گونه کتاب‌ها فرهنگ غربی را در جوانان القا می‌کند و باید جلو نشر آنها را گرفت. تا آنجا که بنده دیده و شنیده‌ام گروه‌هایی مانند بیتلز، پینک فلوید و دورز و بقیه فقط به دلیل این که در دل آمریکا و اروپا فریاد ضد امپریالیستی و ظلم و ستم سر داده، و نظام‌های غربی را به باد تهاجم گرفته‌اند مورد توجه محافل ضد آمریکایی و اروپایی قرار گرفته و بخصوص مبارزان طرفدار حقوق بشر خریداران اصلی موسیقی این گروه‌ها بوده‌اند.

آیا مسوولان تلویزیون ایران که خود را مخالف سرسخت سیاست‌های آمریکا و پاره‌یی از کشورهای غربی می‌دانند، فکر نمی‌کنند که اگر با وزارت ارشاد خرده حسابی دارند نباید کتاب‌های شعری ضد آمریکایی را مورد نکوهش قرار دهند و

آیا تصور نمی‌فرمایند که تلویزیون ضد آمریکایی ایران از فاصله چند هزار کیلومتری به خواست مقامات آمریکایی دامن می‌زند و با شعرای ضد آمریکایی و کتاب‌هایشان در می‌افتد که بلکه بتواند وزارت ارشاد را زیر سوال ببرد و وزیران را در نوبت اتاق انتظار استیضاح قرار دهد؟ و اگر آمریکا تا این حد منغور است، چرا کثیف‌ترین و وحشیانه‌ترین فیلم‌های آمریکایی و اروپایی را که جز اسلحه و خون‌ریزی و سبعت چیزی به فرزندان ما یاد نمی‌دهند با سخاوت تمام از چند کانال پخش می‌کنند به طوری که هر وقت بخواهیم می‌توانیم یکی از آنها را در کانالی ببینیم.

لطفاً چند سطر زیر را به عنوان نمونه بخوانید و بفرمایید کجایش با سیاست‌های ضد آمریکایی ما منافات دارد و اصولاً کدام ناشر پاک نهاد ایرانی مایل است در جهت منافع آمریکا کتاب منتشر کند آنوقت علم مخالفت با نشر این گونه کتاب‌ها بر افزایش در این صورت بنده و سایر همکاران صنعت نشر، در صف اول مخالفان، به راهپیمایی خواهیم پرداخت.

باب مارلی (Bob Marley) در ترانه Redemption Song یا همان ترانه 'رهایی' می‌گوید:

How long shall they kill our prophets,  
while we stand aside and look, some  
say it, s just a part of it, we've got to  
fulfil the book...

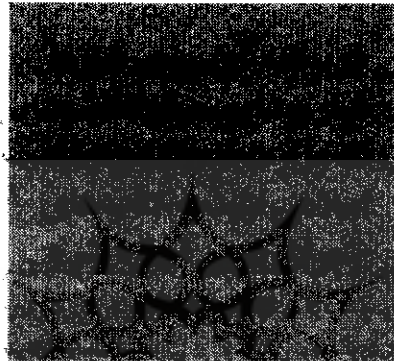
یعنی: تا کی بایستیم و تماشا کنیم که پیامبران ما را می‌کشند؟ بعضی می‌گویند این فقط قسمتی از ناستان است ما باید پیشگویی‌های کتاب آسمانی را کامل کنیم!

یا باب دیلان (Bob Dylan) در ترانه (باید یکی را خدمت کنی Goffa Serve Somebody) تقریباً تمام اقشار قوی و ضعیف جوامع کاپیتالیستی را مخاطب قرار داده و به گونه‌ای به همه هشدار می‌دهد که کافی است لحظه‌ای خدا را خدمت نکنند، حتماً در آن موقع در خدمت شیطان خواهند بود! که این باور نیز ریشه در کتاب آسمانی انجیل دارد... یا مثلاً نقش شخص جان لنن (John Lennon) از گروه Beatles در راه‌اندازی انواع تظاهرات علیه جنگ ویتنام در آمریکا.

خلاصه کلام این که بسیاری از ناشران ایران به خاطر کساد بازار کتاب و ضرر و زیان هنگفتی

که از این بابت تحمل می‌کنند درصدد بخشیدن عطای نشر به لقایش هستند و شما بهانه خوبی بدیت کسانی می‌دهید که سالهاست می‌خواهند کتاب‌هایشان را بفروشند اما در خیالت و رودربایستی جامعه فرهنگی مانده و عقب‌ماندگی‌های مالی را با سینه‌های فراخ به جان خریدمانند.

آهای سردمداران رسانه ملی و فراگیر، بنده به صراحت اعلام می‌کنم که به خاطر محبت‌های تلویزیون به جامعه نشر، برای این که این روزهای آخر عمر را زیر بار منت رسانه ملی نروم، عطای کار نشر را به لقایش می‌بخشم که لقایش به زیبایی و



پاکی و صافی صفحه کانال‌های عدیده سیماست! کانال‌هایی متفاوت که برنامه‌هایشان یکی است و دکمه‌هایشان چند تا! خبرها تکراری و بیات و یک طرفه گزارش‌ها گزینشی و فرمایشی، مصاحبه‌ها انتخابی و هدایت شده، موسیقی ضعیف و ضد ارزش، ورزش و سینما، تئاتر و تصویرگری برای نان قرض دادن به عده‌یی و انتقامجویی از عده‌یی دیگر، اقتصاد حسابگرانه و زمینه‌ساز برای ایجاد نوسان در قیمت‌ها و به نان و آب رسیدن عده‌یی خاص، جوسازی علیه عده‌یی کثیر به سود عده‌یی قلیل. بزرگ‌نمایی زلزله و ایجاد گسل یک شبه زیر تهران! اظهار نظرهای سست و بی پایه و غالباً غیر لازم و... و... و... که بنده حاضرم با هر یک از مقامات سیمای در این موارد به مناظره بنشینم بدون این که قصد بهره‌برداری انتخاباتی داشته باشم که این حرف‌ها دیگر از بنده گذشته است و هر چه می‌گویم و می‌نویسم با این هدف و نیت است که ارزش چند برنامه خوب و قابل اعتنای تلویزیون همراه با برنامه‌های بد زیر سوال دلایل کم ارزش بودن بقیه برنامه‌ها نرود.

